

The Future of Iran's Political Stability Under the Influence of Social Unrest in 2022

Ebrahim Hajiani ¹

Doi: 10.22034/fademo.2023.398304.1005

Abstract

One of the most important professional concerns regarding the protests of the fall of 2022 is the future of these developments and their impact on the country's political stability and political changes. Based on this, the main question of the current article is what is the future of the political order established in Iran, under the influence of the changes that happened after the death of Mahsa Amini, in the medium term? For this purpose, by using a set of theories and paying attention to Iran's specific conditions and field developments after the occurrence of social unrest, the propellers of fundamental legal-political developments were identified in the three areas of society, government and international conditions. The approach of this prospective study and its methodological strategy is "retrospective" and its data has been collected by referring to experts. In order to implement the hindsight technique, a specific scenario that involves fundamental changes in the structure and content of the political system is considered as the studied situation that has "the most consequences and the least probability", then 43 propellers are extracted from the popular theories in the literature of sociology of the revolution. Protests and social movements came to their opinion to state their importance for predicting the realization of the desired scenario, the extent of its realization in the current conditions (2022) and the possibility of its realization, promotion and deepening in the horizon of 2025. The general results indicate that a limited part of the propellants will probably be realized in the future, but this does not mean that the desired scenario will be realized. Clearly, due to the coherence, will and ability of the political system, it is not possible to realize the scenario of fundamental change in the medium term horizon.

Keywords: Future Studies, Hindsight, Protests (2022), Political Changes, Social Unrest.

1 . Department of Sociology, Ministry of Science, Research and Technology, Tehran, Iran. (Email: ebrahimhajian42@gmail.com)

Received: 31/07/2023

Approved: 15/10/2023

<https://trs.ri-khomeini.ac.ir/>

آینده ثبات سیاسی ایران تحت تأثیر ناآرامی‌های اجتماعی ۱۴۰۱

ابراهیم حاجیان^۱

Doi: 10.22034/fademo.2023.398304.1005

چکیده: یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های عمومی و حرفه‌ای در خصوص اعتراضات فراگیر پائیز ۱۴۰۱، آینده این تحولات و کیفیت اثرگذاری آن بر ثبات سیاسی و تغییرات بنیادین سیاسی کشور است. بر این اساس سؤال اصلی مقاله حاضر آن است که آینده نظم سیاسی مستقر در ایران، تحت تأثیر تحولات سیاسی-اجتماعی رخ داده پس از فوت مرحوم مهسا امینی، در افق میان مدت چگونه است؟ برای این منظور با استفاده از مجموعه نظریات موجود در حوزه انقلاب‌های اجتماعی و نیز با عطف توجه به شرایط مکانی و زمانی خاص ایران و تحولات میدانی در ماه‌های پس از بروز ناآرامی‌های اجتماعی، پیش‌ران‌ها (عوامل و زمینه‌های) بروز تحولات حقوقی-سیاسی بنیادین در سه حوزه جامعه، حکومت و شرایط بین‌المللی شناسایی تقسیم شدند. رویکرد این مطالعه آینده‌پژوهی و راهبرد روش‌شناختی آن «پس‌نگری» بوده و داده‌های آن از طریق مراجعه به خبرگان (جامعه‌شناسی و محققان مطالعات راهبردی) گردآوری شده است. برای اجرای تکنیک پس‌نگری، یک سناریوی مشخص که متضمن تغییرات اساسی در ساختار و محتوای نظام سیاسی است به‌عنوان وضعیت مورد مطالعه که دارای «بیشترین پیامد و کمترین احتمال» است، در نظر گرفته شده، سپس ۴۳ پیش‌ران مستخرج از نظریه‌های رایج در ادبیات جامعه‌شناسی انقلاب، اعتراضات و جنبش‌های اجتماعی به نظر آنان رسید تا در خصوص اهمیت آن‌ها برای پیش‌بینی تحقق سناریوی مورد نظر، میزان تحقق آن در شرایط کنونی (۱۴۰۱) و احتمال تحقق، ارتقاء و تعمیق آن در افق ۱۴۰۴ اعلام نظر نمایند. نتایج کلی حاکی از آن است که بخش محدودی از پیش‌ران‌ها در آینده به احتمال محقق خواهد شد؛ اما این به معنی عملی شدن سناریوی مورد نظر نیست. به‌طور مشخص به دلیل انسجام، اراده و توانایی نظام سیاسی (و علیرغم شکل‌گیری تحولات اجتماعی) امکان تحقق سناریو تغییر بنیادین در افق میان مدت وجود ندارد.

کلیدواژه‌ها: آینده‌پژوهی، پس‌نگری، اعتراضات (۱۴۰۱)، تغییرات سیاسی.

۱. گروه جامعه‌شناسی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، تهران، ایران.

ebrahimhajian42@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۹ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۲۳

دوفصلنامه انقلاب پژوهی | سال اول، شماره ۲ | پاییز و زمستان ۱۴۰۲ | صفحات ۲۹۶-۲۶۷

<https://trs.ri-khomeini.ac.ir/>

با ظهور و بروز مجموعه رخداد‌های اعتراضی در شهریور سال ۱۴۰۱ و استمرار و تداوم زمان طی آن تا زمستان و با تشدید و تعمیق آن در میان بخش زیادی از اقشار، طبقات و گروه‌های اجتماعی که همگی این ویژگی‌ها، وجه ممیزه این جنبش اعتراضی نسبت به سایر رفتارهای جمعی دیگر در تاریخچه و سابقه قبلی ساختار سیاسی جامعه ایرانی محسوب می‌شوند؛ پرسش و دغدغه‌های مهمی از منظر جامعه‌شناسی سیاسی، دانش سیاست، حکمرانی، کشورداری و جز آن مطرح شده و می‌شود. با توجه به بلوغ و رشد معنی‌دار جامعه علمی-دانشگاهی و جامعه مدنی، در خلال این رویداد بزرگ و به نسبت فراگیر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، انبوهی از تحلیل‌ها و گزارشات رسانه‌ای و رسمی، مصاحبه‌های کارشناسی و اعلام نظرهای حرفه‌ای مطرح و منتشر شده که صرف نظر از پاره‌ای سوگیری‌ها و جانبداری‌های نویسندگان و گویندگان، هر کدام به تناسب علاقه‌مندی، مسئله و نگرانی خاص خود به جنبه‌های از این رویداد یا کنش جمعی اعتراضی توجه نموده و امعان نظر داشته‌اند. از این میان تحلیل‌های دانشگاهی به طور عمده در پی بررسی ریشه‌ها، زمینه‌ها و بسترهای شکل‌گیری این رخداد و ارائه تبیین‌هایی درباره علل اعتراضات، فرایند شکل‌گیری، سنخ‌شناسی ماهیت معترضان و گاهی نیز واری‌مطالبات و تقاضاهای آشکار و پنهان جنبش بوده‌اند که البته به دلیل فرصت کوتاه مواجهه با زمان رخداد امکان انتشار رسمی در قالب‌های مرسوم نیافته‌اند؛ اما در بخش دیگری از نوشته‌ها و تحلیل‌ها که به طور عمده ماهیت سیاسی (به معنای هنجاری) داشته و تعلق‌خاطر خاص نویسندگان و تحلیلگران له یا علیه جنبش را نشان می‌دهد برخی به تحلیل شرایط پیش‌رو، دستاوردها و دوری و نزدیکی اعتراضات نسبت به اهداف، مطالبات و شعارها و نهایتاً پیروزی یا شکست آن در دستیابی به مقاصد و نیات توجه کرده‌اند که شوربختانه عمده این تحلیل‌ها آغشته به گرایشات و پیش‌فرض‌های نگران‌دگان و گویندگان داشته بوده‌اند. البته این عارضه نیز تا حدود زیادی طبیعی و بدیهی می‌نمایاند، چراکه جامعه ایران و این تحلیل‌گران هنوز در گرماگرم و در بطن بحران یا رخداد قرار دارند و به اندازه کافی و لازم از آن دور نشده و یا فاصله نگرفته‌اند. هرچند رسیدن به این موقعیت واقع‌نگری و واقع‌اندیشی حتی پس از گذشت زمان برای محققان علوم انسانی و

اجتماعی دشوار بوده و مرزبندی میان دانش عینی و واقع‌گرا با گرایش‌های هنجاری و اعتقادی و ایضاً (فاصله گرفتن از تعارض منافع) همواره دشوار و غامض است. در هر حال با توجه به اهمیت و گسترده‌گی رخدادهای جاری و تأثیر جدی آن در آینده تحولات سیاسی و راهبردی کشور و به خصوص رابطه آن با روند توسعه ملی و دراز مدت جامعه ایران و لزوم حفظ ساختارها و زیربنای ملی و نظر به ضرورت‌های تخصصی و حرفه‌ای، در این نوشتار «تحلیل آینده وضعیت سیاسی کشور» در بازه زمانی یا افق میان مدت ۵ ساله خواهیم پرداخت. در واقع دغدغه یا مسئله اصلی در اینجا آن است که ثبات سیاسی، یا دوام ساختارها یا ترتیبات سیاسی-حقوقی موجود در افق سه سال آینده چگونه خواهد بود یا چگونه خواهد شد؟ به عبارتی آیا نظام سیاسی موجود در ایران، تحت تأثیر اعتراضات سیاسی-اجتماعی مشاهده شده در ماه‌های گذشته و البته فرایندهای انباشتی و متراکم شده طی سالیان گذشته، دستخوش چه تحولات و تغییراتی بنیادین خواهد شد؟ به سخن دیگر با عبور از سؤالات رایج تبیینی یا تحلیلی یا حتی واکاوی و ردیابی فرایندهای پشت سر گذاشته شده، تمرکز این مقاله بر آینده‌پژوهی وضعیت سیاسی کشور و به طور مشخص ساختار سیاسی حاکم بر کشور خواهد بود. به‌طور مشخص هدف تحلیل پیش‌رو و بررسی پیامدها و آثار نهایی اعتراضات اجتماعی پس از فوت مرحوم مهسا امینی در یک بازه زمانی میان مدت بر تحولات احتمالی ساختار سیاسی کشور، از حیث ماهیت، عمق و سازوکار تغییرات آن است. این نوشتار، از سوی دیگر، در پی ارزیابی احتمال تحقق شرایط یا وضعیت انقلابی (مفهومی برگرفته از ادبیات لئون تروتسکی) است؛ هرچند در اینجا کامل متعهد به برداشت وی نیستیم. از منظر تروتسکی وضعیت انقلابی ناظر به بروز نوعی دوگانگی قدرت در شرایط پیش از تغییر سیاسی است که متضمن تدارک تاریخی یک انقلاب است. در وضعیت انقلابی علی‌رغم این که هنوز قدرت دولتی در دست ساختار رسمی متمرکز است اما در عمل بخش عمده‌ای از قدرت از دست حاکم قدیمی خارج و در اختیار طبقه اجتماعی است که قرار است نظام اجتماعی جدیدی را مستقر سازد که به‌طور معمول با توجه به تجربه تاریخی طبیعی انقلاب‌های بزرگ یا کلاسیک با آغاز به اصلاحات بزرگ توسط جناح میانه‌رو در قدرت سیاسی به وجود می‌آید (برینتون، ۱۳۶۴: ۲۰-۱۵). طبیعی است که منظور نویسنده از وضعیت انقلابی تحقق چنین شرایطی نیست؛ بلکه تحلیل شکل‌گیری تمامی مقدمات و تمهیدات لازم

برای آغاز تحول سیاسی بنیادین در ایران است.

الف- مرور پیشینه تحقیق

تحقیقات انجام شده در خصوص تحلیل بی‌ثباتی سیاسی ادبیات چندان گسترده‌ای ندارد و این به‌ویژه در ادبیات علمی به زبان فارسی مشهود است. با این همه به سبب مجموعه کشمکش‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی و توسعه رشته‌های مرتبط با این حوزه، پژوهش‌هایی در این زمینه انجام شده است که محمدی لرد در تحلیل جامعه خود آن‌ها را به چهار دسته تفکیک و شناسایی نموده است. این چهار گروه تحقیقات در زمینه بی‌ثباتی سیاسی شامل:

یک؛ تحلیل‌های توصیفی-تاریخی دو-تحلیل‌های تبیین‌مانند پژوهش طالبان (۱۳۸۵) تحت عنوان تبیین جامعه‌شناختی بی‌ثباتی سیاسی در ایران سه-تحلیل‌های ساختارمانند مطالعه دلاوری (۱۳۸۷) در زمینه بررسی ریشه‌های خشونت و بی‌ثباتی سیاسی در ایران و یا مطالعه زرقانی و همکاران (۱۳۹۳) یا بررسی رابطه بین بی‌ثباتی سیاسی با چرخه تجاری-آغاسی در یک کشور نفتی (اقبال و سایه میری ۱۴۰۰)؛ چهار-مدل‌های تحلیلی برای پیش‌بینی بی‌ثباتی سیاسی با رویکرد شبیه‌سازی و مانند آن را شامل می‌شود (محمدی‌لرد، ۱۳۹۳، ۵۸-۲۹) که از مهم‌ترین نمونه‌های تحقیقات اخیر را عبدالمحمود محمدی لرد در خصوص آینده‌پژوهی ثبات سیاسی در ایران (۱۳۹۳) به انجام رسانیده است. وی در این تحقیق پس از شناسایی ۱۴۶ متغیر مؤثر بر بی‌ثباتی سیاسی در ایران چهار متغیر کلیدی کنترل فساد، کارآمدی حکومت، حاکمیت قانون و جهانی‌شدن و چند متغیر کیفی مانند شکاف‌های قومی-مذهبی، حمله نظامی، برنامه‌های توسعه و رهبری و مرجعیت دینی به عنوان مهم‌ترین پیش‌ران‌های بی‌ثباتی سیاسی در ایران را مهم‌تر دانسته و سناریوهای آینده ایران را در افق ۱۴۱۰ ارائه کرده است (خرمشاد و محمدی‌لرد، ۱۳۹۲). از مهم‌ترین پژوهش‌های اخیر مطالعه مسعود عبدالحسین پور فرد است که به تحلیل و بررسی ثبات سیاسی ایران توجه داشته و پرسش اصلی وی چگونگی استقرار ثبات سیاسی در ایران و عوامل مرتبط با آن است که پس از تحلیل و واریسی منابع دینی و نظریه‌های علوم اجتماعی و انطباق با آن شرایط ایران هشت متغیر مانند مشارکت، رهبری، مشروعیت، کارآمدی، فقرستیزی

۲۷۰

و جز آن را معرفی کرده است (عبدالحسین پور فرد، ۱۳۹۸، ص ۷-۲۶). نباید ناگفته گذاشت که یکی از مهم‌ترین آثار مطرح در زمینه بی‌ثباتی سیاسی کتاب الگوهای بی‌ثباتی سیاسی دیوید ساندرز با رویکرد تجربی انجام و به فارسی نیز ترجمه شده است. از دیگر تحقیقات مهم مطالعه عظیمی دولت‌آبادی (۱۳۸۷)، گلیمان (۱۳۷۸)، بوده است. در مجموعه این ادبیات برخی پژوهش‌هایی انجام شده که درصدد پیش‌بینی رخداد بی‌ثباتی بوده‌اند که البته مقیاس و یا مشاهده اکثر آن‌ها بین‌المللی و بین‌کشوری بوده است که مطالعه محمدی‌لرد در این میان استثنا و معطوف به ایران بوده است. بخش دیگری از پیشینه این نوشتار مربوط به حوزه اعتراضات اجتماعی^۱ یا ناآرامی‌های اجتماعی^۲ به‌عنوان یکی از اشکال و انواع مهم مرتبط با بی‌ثباتی سیاسی است که به‌طور تجربی مورد بررسی قرار گرفته است که از جمله می‌توان به مطالعه تجربی تدرابرت گار در کتاب معتبر چرا انسان‌ها شورش می‌کنند (۱۳۷۶) و نیز اصغر افتخاری در کتاب خشونت و جامعه (۱۳۷۹) و یا دیوید آپتر و چارلز اندرین در کتاب اعتراض سیاسی و تغییر اجتماعی (۱۳۸۰) اشاره کرد؛ در اثر اخیر به ترکیب سه دسته عوامل ساختاری، اجتماعی و روانشناختی برای اعتراض توجه شده است. از مهم‌ترین آثار موجود کارهای آصف بیات مطالعه سیاست‌های خیابانی (۱۳۹۱) بوده است. در سال‌های اخیر و با رواج و تکرار انواع رویدادهای اعتراضی، تجمعات و تظاهرات مردمی به‌خصوص پس از انتخابات در سال‌های اخیر و با رواج و تکرار انواع رویدادهای اعتراضی، تجمعات و تظاهرات مردمی به‌خصوص پس از انتخابات ۱۳۸۸ و نیز اعتراضات سال ۱۳۹۶ و نیز اعتراضات سراسری در سال ۱۳۹۸ مقالات متعددی منتشر شده است که از آن جمله می‌توان به کتاب تحلیل اعتراضات اجتماعی (حاجیانی، ۱۳۹۸) اشاره نمود. در خصوص اعتراضات اخیر پس از فوت مرحوم مهسا امینی نیز حجم انبوهی تحلیل از جمله در سایت انجمن جامعه‌شناسی ایران مطرح شده که به‌طور عمده به تبیین وقایع اعتراضی پرداخته است، اما آن بخشی که بر تأثیرات و پیامدهای این جنبش‌های اجتماعی فراگیر بر آینده سیاسی کشور به‌خصوص بر کلیت ساختار نظام تصمیم‌گیری توجه نموده‌اند به‌طور عمده آغشته به سوگیری بوده‌اند؛ به این معنی که برخی آن را به‌طور کامل موقتی و بی‌تأثیر و برخی نتایج آن

- 1 . Social Protest
- 2 . Social unrest

بنیادی و منجر به تغییرات اساسی شده‌اند بدون آن‌که نگاه جامع و همه‌جانبه‌ای داشته و به مقدمات و ملزومات آن، به‌لحاظ تحلیلی، توجه داشته باشند. گذشته از آن عمده تحلیل‌های تبیینی فقط به ریشه‌های داخلی یا بیرونی آن پرداخته‌اند و بر تأثیر عامل خارجی و یا در مقابل آن تأثیر ناکارآمدی‌های داخلی بر بروز بحران تأکید نموده‌اند. در واقع موضوع پیش‌بینی و آینده‌نگری در خصوص تحولات پیش‌رو کمتر مورد اعتنا واقع شده است.

ب- مبانی نظری و روش

مسئله نظم، ساخت و ثبات و در مقابل مناقشه و تعارض از دغدغه‌های اساسی جامعه‌شناسی به شمار می‌آید و رویکردهای متعددی پیرامون هر دوی این جریان اصلی مطرح شده است و در دهه‌های اخیر نیز رویکردهای ترکیبی مانند کارکردگرایی تضاد (توسط لویس کورز و دیگران) مورد توجه قرار گرفته است. مسئله ثبات در تاریخ اندیشه‌های اجتماعی و در انواع اندرنامه‌ها و سیاست‌نامه‌ها و مانند آنان مورد امعان نظر قرار گرفته است. در ادبیات علوم اجتماعی و سیاسی متأخر، دیویدساندرز، مجموعه برداشت‌ها از ثبات سیاسی را پس بررسی نظریات دانشمندان مهم این حوزه مانند سیمور لپست، اکشتاین، تد رابرت‌گر، فیراباند، هانتینگتون، تیلی و دیگران را به حداقل پنج رویکرد تقسیم کرده است (ساندرز، ۱۳۷۳: ۲۵). در کنار مفهوم ثبات سیاسی موضوع اعتراضات اجتماعی نیز توسط نظریه پردازان مختلف از دیوید آپتر و چالمرز آندرین تا چالمز جانسون محل توجه بوده است و به‌طور عمده به عنوان یکی از اشکال بی‌ثباتی سیاسی در نظر گرفته شده است. در موضوع ثبات ۵ رویکرد کلان شامل ثبات به معنای عدم وجود خشونت، تداوم و پایداری حکومت، مشروعیت نظام سیاسی و دموکراتیک بودن، فقدان دگرگونی ساختاری و وجود ویژگی‌های اجتماعی چندگانه (همچون رفاه، توزیع برابر، احزاب سیاسی تثبیت شده و رشد اقتصادی) قابل مشاهده است (عبدالحسین پور، ۱۳۹۸: ۹۴۷). در ادبیات کلاسیک رابطه این دو موضوع را می‌توان در نوشته‌های حوزه جنبش‌های اجتماعی مثل مطالعه دوناتلا دل‌پورتا و یا اثر سه جلدی امانوئل کاستلز در کتاب عصر اصلاحات جستجو نمود. در واقع همه کسانی که به بررسی تغییرات سیاسی با منشاء درونی پرداخته‌اند؛ به

۲۷۲

تحلیل هر دو مسئله ناآرامی‌ها و اعتراضات اجتماعی و اشکال جدید آن مانند نافرمانی مدنی و پیامد آن بر ثبات سیاسی توجه کرده‌اند؛ اما با توجه به دغدغه اصلی و محوری مقاله پیش رو که بررسی پیامدهای اعتراضات ۱۴۰۱ بر ثبات سیاسی در بازه زمانی میان مدت است، باید برداشت روشنی از ثبات سیاسی را مشخص و معین سازیم. منظور از ثبات سیاسی در اینجا، به‌طور مشخص احتمال تداوم، استمرار و بقای نظام مستقر، رژیم حقوقی حاکم و ترتیبات قانونی موجود با عنوان نظام جمهوری اسلامی است. تعریف ثبات، با عبور عامدانه از ریشه‌های فرهنگی اجتماعی و سیاسی آن به‌طور مشخص حفظ و بقای ساختار سیاسی کنونی و حفظ پیوستگی و انسجام درونی یا یکپارچگی آن است. به این معنا که هویت یا شاکله^۱ (ستون فقرات) آن دچار گسست و شکست نشود. این تعریف مورد حمایت ساندرز (همان: ۳۲۰) هم بوده است؛ اما یک برداشت از میان قرائت‌های مختلف از بی‌ثباتی سیاسی را شامل می‌شود که از قضا مورد تأکید نویسنده است. سیستم یا ساختار سیاسی موجود شامل مجموعه بازیگران و کارگزاران و نهادهای رسمی قدرت و شبکه روابط موجود میان آن‌ها، منابع قدرت و اقتدار ارزش‌ها و مبانی فکری و فرهنگی مشروعیت بخش آن است که تبلور آن را در ساختار کنونی جمهوری اسلامی باید ملاحظه کرد؛ بنابراین باید تصریح داشت ثبات سیستم سیاسی، به تعبیر دیوید استیون مورد توجه نیست و ثبات جامعه یا اجتماع سیاسی مدنظر نیست. به تعبیر دقیق‌تر از ایده‌ای هواداری می‌شود که ثبات سیاسی را به معنای تداوم و پایداری حکومت و حفظ هژمونی آن در محیط ملی و بقاء شاکله و موجودیت آن می‌داند. پرواضح است که ناپایداری حکومت نقطه انتهایی طیف بی‌ثبات سیاسی به‌شمار می‌آید و موقعیتی فراتر از دگرگونی‌های تدریجی و نیز تزلزل و چالش است که این‌ها خود درجاتی از بی‌ثباتی را نشان می‌دهند. استقرار و پایداری نظام سیاسی مستقر را می‌توان در تداوم حیات و حفظ ویژگی‌های ذاتی و هویت بخش آن ملاحظه کرد که بخشی از آن در قانون اساسی آمده است. ملاحظه نظری دیگر آنکه با حذف توجه صرف به عوامل بیرونی یا درونی یا هم‌چنین عوامل عینی یا ذهنی قصد اندازه‌گیری ثبات سیاسی در میان نیست؛ بلکه هدف سنجش میزان فاصله زمانی (تسامحاً) یا فاصله موقعیتی (فاصله شرایط و اوضاع و احوال کنونی

کشور) با مهم‌ترین شاخص بی‌ثباتی یعنی تغییرات بنیادین نظم حقوقی موجود یا مستقر در میان است. به عبارتی غرض آن است که به تحلیل این مهم پرداخته شود که چه قدر و به چه میزان با شرایط و وضعیت گسست و تغییر بنیادین و تحول اساسی (صرف‌نظر از نوع و شکل تغییر سیاسی) فاصله است. این سوال خطیر و مرد افکنی است که علوم اجتماعی ایران دارد و باید به نوبه خود به آن پاسخی ولو احتمالی دهد و از موضع تبیینی- تعلیلی همیشگی فاصله بگیرد. به این منظور و با عبور از مجموعه متغیرهای کلان و پایه‌ای مؤثر در ثبات سیاسی (مانند وابستگی، اقتصاد نفتی، فقر، رفاه، نابرابری، ناکارآمدی و جز آن) به رصد یا پایش (مقطعی و روندی) مجموعه پیشران‌های مرتبط و مؤثر بر بی‌ثباتی سیاسی ساختار حقوقی-قانونی مستقر در ایران کنونی همت گمارد. پیش فرض نظری نویسنده آن است که کشوری از متغیرهای پایه و بنیادین معطوف به تغییرات بنیادین به خصوص در وجوه اجتماعی و سیاسی آن مانند فساد، نابرابری، فقر... در بدنه جامعه ایران به آستانه خود رسیده و محقق شده‌اند و تحت تأثیر دینامیک‌های اجتماعی درونی یا فشارهای بیرونی عامل خارجی به خصوص تحریم‌های فلج‌کننده و فشار رسانه‌ای رخ داده و صورت عملی به‌خود گرفته و منجر به انواع حرکت‌های اعتراضی، آشوب‌ها، تجمعات و سایر اشکال و تجلیات نارضایتی عمومی فراگیر، تشدید یافته و مترکم شده‌اند که هم‌اکنون در حال تجربه عملی، مهم‌ترین گسترده‌ترین و پهن دامنه‌ترین آنها پس از فوت دختر نوجوان، کرد، اهل سنت و مسافر در شهر تهران هستیم. لذا مسئله به لحاظ مفهومی، نظری آن است که عوامل، منابع ریسک (خطر) و تهدیدات ناشی از بحران سیاسی اجتماعی جاری تا چه حد بر بقا و پایداری کلیت نظام سیاسی مستقر تأثیر گذار خواهد بود. یک مسئله نظری یا دغدغه اصلی در تحلیل حاضر توجه ضمنی «به عامل سازمان» است. در واقع موضوع آن است که در چند دهه اخیر اتفاق مهمی از لحاظ سرعت و زمان تغییرات سیاسی رخ داده و مدت زمان درگیری و تنش بین انقلابیون و نظام سیاسی بسیار کوتاه و گاهی مثل بهار عربی کمتر از یک سال طول کشیده است. کوتاه شدن موجود باعث کاهش آمار خشونت و کشته‌ها شده که این از خصایص‌های انقلاب‌های فیس‌بوکی، انقلاب سایبری یا انقلاب اینترنتی در تمایز با انقلاب‌های کلاسیک است (نظری ۱۴۰۱). به جز خشونت‌ها، تندشدن چرخه حوادث و رویدادهای پیشین انقلاب مهم‌ترین عامل عطف توجه به مسئله زمان از لحاظ تئوریک می‌گردد.

همچنان گفته شد دغدغه اصلی در تدوین چارچوب نظری برای رسیدگی به مسئله نوشتار پیشرو، شناسایی و استخراج مهم‌ترین روندها، عوامل و نیروهای مؤثر بر تغییرات عمده، جوهری یا بنیادین سیاسی در آینده ایران و در سطح ساختار قدرت رسمی است. پرواضح است که برای این منظور ضمن توجه به همه رویکردهای موجود، نباید وفادار به یک رویکرد خاص بود؛ چرا که قصد نظریه‌آزمایی یا نظریه‌پردازی در میان نیست؛ بلکه هدف تلاش برای پیش‌بینی احتمال تحقق یک سناریوی خاص (مطابق با آنچه در روش‌شناسی مقاله گفته شده) است. با اتخاذ «رویکرد عاری از پارادایم»^۱ می‌توان به ده‌ها متغیر اشاره کرد. برای مثال محمدی لرد با روش خبرگی ۱۴۶ متغیر مؤثر بر بی‌ثباتی را شناسایی کرده است (محمدی لرد، ۱۳۹۳: ۲۱)؛ اما با ملاحظه مجموعه عوامل و نیروهای تغییر مطرح شده در نظریه‌های رایج در علوم اجتماعی و به عطف توجه به شرایط و بسترهای خاص جامعه ایران و جنبش‌ها و تحولات اخیر نویسنده مهم‌ترین پیشران‌های تغییر سیاسی در ایران را در سه دسته کلی جای داده است که هر کدام را می‌توان به کثیری از نظریه‌های مربوط و متصل و منتسب نمود.

دسته اول؛ عوامل و متغیرهای مربوط به شرایط بین‌المللی و خارج از مرزهای ملی است که در نظریه‌پردازی مانند اسکاچ‌پل و چالمرز جانسون قابل ردیابی است. اهمیت عوامل خارجی در ایران آینده به دلیل تشدید فرایندهای جهانی شدن و تعاملات و ارتباطات^۲ جهانی، دادوستدها و تبادلات^۳ کالایی، اطلاعاتی، رسانه‌ای، فرهنگی و به‌خصوص فشارهای سیاسی سالیان اخیر بر جمهوری اسلامی و از این قبیل عوامل است.

دسته دوم؛ نیروها و پیشران‌های تغییر در ایران به ماهیت حکومت و ساختار دولت و نظام مربوط می‌شود که رد پا و خاستگاه این عوامل را می‌توان در نظریه‌های متعدد از جمله چارلز تیلی، هانتینگتون، دوتوکویل و دیگران جستجو کرد. منظر و برداشت مشترک این نظریات نیز آن است که ماهیت، خاستگاه و ساختار، پایگاه اجتماعی، ترکیب کارآمدی، اقتدار، مشروعیت، اراده سرکوب، انسجام درونی، مهارت‌ها و توانایی‌ها برای بسیج و سازماندهی منابع در نظام

- 1 . Free Paradigm
- 2 . Connectivity
- 3 . Trades

سیاسی مستقر نقش بسزایی در حفظ و تداوم ثبات سیاسی یا سقوط و سرنگونی آن دارند. **دسته سوم؛** از منابع و عوامل ثبات (و تغییر) به شرایط جامعه و نیروهای خواهان تغییر مربوط می‌شود که گرانیگاه اصلی تحولات سیاسی محسوب می‌شوند. این دسته از عوامل نیز در کثیری از رویکردهای بی‌ثباتی سیاسی و ادبیات جنبش‌های اجتماعی قابل ملاحظه هستند که از جمله آن‌ها و فقط به عنوان مثال می‌توان به نظریه‌های نیل اسملر، جیمز دیویس، تدرابرت گاه، اکشتاین، کرین برینتون، چالمرز جانسون، دیوید آپتر و چارلز آندرین، لئون تروتسکی و مجموعه نظریه‌های مارکسیستی، سیمور لیپست، ساندرز و تمامی کسانی که در تحلیل تغییرات به شرایط درونی کشورهای مختلف توجه داشته‌اند، اشاره داشت.

تکته مهم آن‌که توجه به این سه بعد (خارجی، ساختار حکومت و وضعیت جامعه) به‌طور توأمان در نظریه‌هایی مورد بررسی و تأکید قرار گرفته است. متعاقباً جزئیات و یا پیش‌ران‌های احتمالی و اولیه مربوط به هر کدام از این سه حوزه از درون ادبیات و بر اساس شرایط خاص ایران معرفی و اهمیت و میزان تحقق آن‌ها در شرایط کنونی و احتمالی تقویت و تضعیف آن‌ها در آینده مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱- روش شناسی

روش در تحقیقات آینده‌پژوهی، به تناسب مسئله و دغدغه و زاویه دید تحلیل‌گران کم و کیف اندیشه دورنگرانه انتخاب و مشخص می‌شود (حاجیانی ۱۳۸۸)؛ در خصوص مسئله مورد بحث که آینده‌پژوهی تأثیرات ناآرامی‌های اجتماعی پس از فوت مهسا امینی (یا جنبش مهسا) بر ثبات سیاسی نظام و به‌طور مشخص تحلیل پیامدهای اعتراضات بر موجودیت نظام، در یک افق زمانی محدود (با تسامح ۵ ساله تا سال ۱۴۰۶) است، از روش پس‌نگری یا گذشته‌نگری^۱ استفاده شده است و این به سبب آن است که نویسنده یک آینده یا سناریو مشخص، یعنی بی‌ثباتی سیاسی جمهوری اسلامی به معنایی که قبلاً گفته شده را به‌عنوان یک سناریوی محتمل‌الوقوع در نظر گرفته است و بدیهی است که این به معنی نادیده انگاشتن انواع و اشکال سناریوهای دیگر

۲۷۶

1 . Back Casting

احتمالی نیست؛ اما چون این سناریو، ولو با احتمال وقوع اندک پیامدهای گرانسنگ و گسترده ای را به دنبال دارد، به طور مشخص بر وقوع و عدم وقوع آن در افق میان مدت متمرکز شده ایم. روش پس‌نگری هم شامل عناصر تحلیل سناریو معیار (آینده مطلوب یا موردنظر که دارای فرصت‌ها و تهدیدهای فراوان و گسترده‌ای است) و هم سناریوی راهبردی است چون نقش هدایت‌کننده و مداخله‌گرانه‌ای را ایجاد می‌کند و کاربران را قادر می‌سازد تا ارزیابی‌های را واضحی از میزان تحقیق آینده‌بالقوه داشته باشند (روپر و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۲۸).

پس‌نگری دارای مراحل است که گام اول آن ارائه فرایند پایه یا سناریوی محتمل‌الوقوع یا مورد نظر است. شاید بهتر باشد به جای سناریو از «وضعیت موردنظر» سخن گفته شود. پس از ارائه تصور مشخص از آینده یا وضعیت معهود، کار با شناسایی مقدمات لازم برای افزایش شانس رسیدن به آن وضعیت در آینده ادامه می‌یابد. این مقدمات هم پیش‌ران‌ها یا علل احتمالی مرتب شده هستند که در صورت تحقیق و عینیت یافتن آن‌ها، وضعیت مورد نظر نیز محقق خواهد شد. این بخش از کار تا حدود زیادی شبیه روش ردیابی فرایند^۱ و نیز مکانیزم علی (طالبان، ۱۳۸۸) است. با این تفاوت که در این مطالعه «مورد محور» توالی و پیوند میان وقایع رو به آینده است و نه نحوه بازسازی و مرتب‌سازی وقایع گذشته؛ یعنی نحوه یا مکانیزم (سازوکار) وقوع پدیده یا وضعیت در آینده را مشخص می‌سازد و در پی آن است که مشخص نماید تا چه حد به سمت آن وضعیت حرکت شده و یا حرکت خواهد نمود. هم‌چنین پس‌نگری نسبت معکوس با رویکرد تصویرسازی و تدوین الگوی مطلوب یا آینده یا سناریو مرجح^۲ دارد. به تعبیر ادموند هوسرل در اینجا سعی می‌شود؛ حال بسیط^۳ را تجربه نمود؛ یعنی تلاش می‌شود زمان حال را پهن^۴ و بسطی کوتاه بخشید و رویدادهای جاری را به آینده گسترش داد؛ تا آگاهی ما از آینده را افزایش دهد و بتوان آینده نزدیک را تجسم نمود (بل، ۱۳۹۲: ۸-۲۶۸). هرچند تمامی آنچه در آینده وجود خواهد داشت، به طور حتم در گذشته و حال وجود نداشته یا نخواهد داشت. با این چارچوب روشی، پس از شناسایی وضعیت احتمالی موردنظر که به تناسب

- 1 . Tracking process
- 2 . Perfectible Saenuri
- 3 . Expanded Present
- 4 . Thickness

پیش‌فرض‌های ارزشی خوانندگان ممکن است مثبت یا منفی ارزیابی شود؛ پیش‌ران‌ها یا نیروهای محقق‌کننده آن وضعیت، شناسایی و استخراج و مشخص می‌شود. پرواضح است به دلیل رویکرد چند نظریه‌ای و چند بینشی حاکم بر پژوهش‌های آینده‌پژوهانه روش کار در این مرحله عاری از نظریه مشخص خواهد بود و از تمامی نظریه‌ها که هر کدام پیش‌رانی یا عاملی را برای شکل‌گیری وضعیت موردنظر معرفی کرده‌اند؛ استفاده خواهد شد. هرچند در مقام اجرا روش، پیش‌ران‌های کم اثر یا بی‌اثر با توجه به یافته‌های اولیه حذف خواهند شد. در هر حال برای نظم دهی به مجموعه پیش‌ران‌های مؤثر بر تحقق (عدم تحقق) سناریوی موردنظر، آن‌ها را در سه دسته پیش‌ران‌های مربوط به حوزه جامعه (اعتراضات و معترضان)، حوزه نظام سیاسی و حوزه خارجی جای داده شده است؛ اما این تقسیم‌بندی اصالت ذاتی ندارد. مگر آن‌که به عنوان چهارچوبی برای احصاء کامل پیش‌ران‌ها و پرهیز از قلم انداختن داده (ها) *Omitted Data* تلقی شود. در هر حال پس از وزن دهی و تعیین اهمیت هر پیش‌ران میزان تحقق آن در شرایط کنونی و احتمال تکوین، تقویت، ظهور و عینیت یافتن کامل آن در یک بازه زمانی مشخص کوتاه مدت مورد بررسی قرار گرفته است. در انتها و به واسطه حضور و غیاب پیش‌ران‌ها احتمال وقوع سناریو موردنظر متناسب با شکل‌گیری و انعقاد مقدمات (همان پیش‌ران‌ها) تحلیل می‌شود. از نظر تکنیک تولید داده‌ها شناسایی پیش‌ران‌ها با مرور ادبیات نظری و تجربی و با اتکا به تجربه زیستی و تاریخی محققان و خبرگان در جامعه ایران صورت می‌گیرد. به منظور شناسایی میزان حضور و غیاب پیش‌ران‌ها نیز از ابزار پرسش‌نامه معکوس استفاده شده و برای هر پیش‌ران سه سوال (شامل میزان اهمیت، میزان تحقق در شرایط کنونی و احتمال تحقق در آینده کوتاه مدت) مطرح شده است. این بخش از مطالعه با مراجعه تیم خبرگان و کارشناسان مسائل سیاسی و اجتماعی جامعه ایران که با روش هدفمند انتخاب شده‌اند، صورت می‌پذیرد. اعضای تیم خبرگان از نظر تحصیلات، تجربه و سوابق فعالیت‌های علمی-پژوهشی و سیاسی و نیز مدیریت بحران (در سطح راهبردی و در سطح استانداران و وزرای سابق) برگزیده شده‌اند. در واقع به دلیل محدودیت‌های زمانی و دشوار و ابهام در تعیین کمیت تحقق شاخص‌ها، داده‌های این تحقیق با مراجعه تیم خبرگی به دست آمده است. به‌طور کلی باید گفت استراتژی روش‌شناختی این مقاله، آمیخته یا ترکیبی بوده و از روش‌های کیفی و کمی با هم برای حصول نتیجه و ارائه

تحلیل بهره گرفته شده است. اعتبار و صحت فرایند این پژوهش نیز با رفت و برگشت مکرر مراحل و اخذ نظرات خبرگان کنترل شده است.

۲- تدوین سناریو

مطابق عرف جاری در روش‌شناسی پس‌نگری که نوعی «فرایند سناریونویسی به سمت عقب یا وارونه» بوده و تحلیل از ترسیم وضعیت آینده به عنوان هدف آغاز می‌شود (کاسو و کاسر، ۱۳۹۶: ۱۲۰). سناریوی معهود (و نه فقط مطلوب یا فقط محتمل) در این تحقیق بروز تغییرات عمده در ساختار نظام و یک بحران عمده دولتی یا هر وضعیتی است که منجر به سرنگونی یا سقوط ساختار سیاسی موجود است، به نحوی که این دگرگونی باعث از بین رفتن هسته سخت قدرت و ساخت مرکزی و به دنبال آن ساخته‌های پیرامونی (افتخاری، ۱۳۷۸: ۱۵۰) و تحول در ارزش‌های اساسی و ماهیت نظام سیاسی گردد، صرف‌نظر از اینکه این تحقق احتمالی این سناریو از طریق چه نوع سازوکاری از اشکال مختلف تغییرات سیاسی مثل گذار، فروپاشی و... (هانتینگتون، ۱۳۸۰، ص ۱۸۳)، حاکمیت چندگانه در نظریه تیلی، تضاد طبقات حاکم (در نظریه اسکاچ پل) و یا سایر اشکال تغییر (رفیع پور، ۱۳۸۱ و لهسایی‌زاده ۱۳۷۳) آشکار، برنامه‌ریزی شده، تدریجی و مانند آن (فوران، ۱۳۸۲) و یا سایر مقدمات تحقق شرایط انقلاب رخ دهد و متضمن اشکالی از فروپاشی، جنگ داخلی، کودتا، تجزیه و از این قبیل باشد یا نباشد.

۲۷۹

به عبارتی شکل تغییر در اینجا چندان مهم نیست، هرچند فرض اساسی آن است که این تغییر سیاسی احتمالی در پرتو یا در اثر انباشت ویژگی‌های رایج در جنبش‌های اجتماعی خواهد بود. آنچه مهم است که توجه کنیم تمرکز بر این سناریو بدان دلیل است که این سناریو (بروز تغییرات ماهوی و ساختاری و ارزشی در ساختار قدرت مستقر) علی‌رغم احتمال^۱ کم دارای آثار یا پیامدهای (HI)^۲ است. بر روی یک سناریوی ویژه با احتمال کم و پیامد زیاد (HILP) متمرکز است که خروجی آن ارائه هشدارهای راهبردی برای حفظ شاکله کشور، زیرساخت‌ها، روندهای حداقلی توسعه، حفظ یکپارچگی و نظم عمومی و دستاوردهای کلان ملی است. به

- 1 . Low Probability
- 2 . High Impact

سخن دیگر انتخاب این سناریو و تمرکز بر آن به سبب آثار و نتایج بسیار تکان‌دهنده آن بر آینده کشور (ولو با حداقل احتمال وقوع این سناریو) است.

خبرگان و کارشناسان با توجه به تعداد و تنوع پیش‌ران‌های در نظر گرفته شده برای بروز تغییرات سیاسی تحقق سناریوی فوق‌الذکر برای ارزیابی و قضاوت به تعدادی از خبرگان و مطلعین که از اشراف، دانش و آگاهی کافی نظری- تجربی از شرایط جاری کشور و بصیرت‌های لازم برای پیش‌بینی‌های آینده برخوردار بوده‌اند، مراجعه شده و علاوه بر دو دوره مشورت‌های کیفی و غیر ساختارمند، در دور نهایی با یک ابزار نیم ساختارمند از آن‌ها نظرخواهی شد. این خبرگان شامل ۱۰ نفر بوده که علاوه بر تسلط نظری و تحقیقاتی دارای سابقه فعالیت‌های سیاسی-اداری سطوح بالا بوده و در حوزه مطالعات راهبردی فعال هستند.

از این خبرگان چهار نفر دکترای جامعه‌شناس و هیئت‌علمی، دو نفر دکترای سیاست‌گذاری فرهنگی و رسانه، دو نفر دکترای علوم سیاسی و دو نفر دکترای آینده‌پژوهی بوده‌اند که همگی در زمینه مسائل ایران سابقه تحقیقات و مطالعات مبسوطی داشته و در مؤسسات راهبردی فعالیت دارند. در ضمن به‌طور علمی و تخصصی فعالانه‌ای، درگیر تحلیل و تبیین شرایط جاری کشور بوده و هستند.

پیش‌ران‌ها و نیروهای تغییرات سیاسی در ایران با عطف توجه به مجموعه نظریه‌های رایج، شرایط و تحولات تاریخی و سیاسی پشت سر گذاشته شده در چند دهه گذشته و به‌خصوص تجربه زیسته از خلال جنبش‌های اعتراضی در ایران به خصوص اعتراضات گسترده در سال‌های ۱۳۹۶، ۱۳۹۸، ۱۴۰۱ و با هدف رصد و پایش و یا دیدبانی^۱ (مقطعی و نه مستمر) شرایط جاری کشور که ممکن است منجر به تغییرات اساسی و گسست در نظم حقوقی موجود بشود، در ادامه مجموعه پیش‌ران‌هایی که میزان فاصله زمانی یا فاصله موقعیتی (فاصله شرایط و اوضاع و احوال کنونی با شرایط بروز بی‌ثباتی‌های اساسی) را می‌تواند نشان دهد؛ معرفی می‌شود. این پیش‌ران‌ها هم ماهیت ذهنی/عینی و خرد/کلان را داشته و علی‌القاعده باید همه سطوح تحلیل را پوشش دهند. با توجه به پیچیدگی روابط و اندرکنش‌های عوامل و از یک سو، لزوم اتخاذ یک رویکرد

1 . observatory

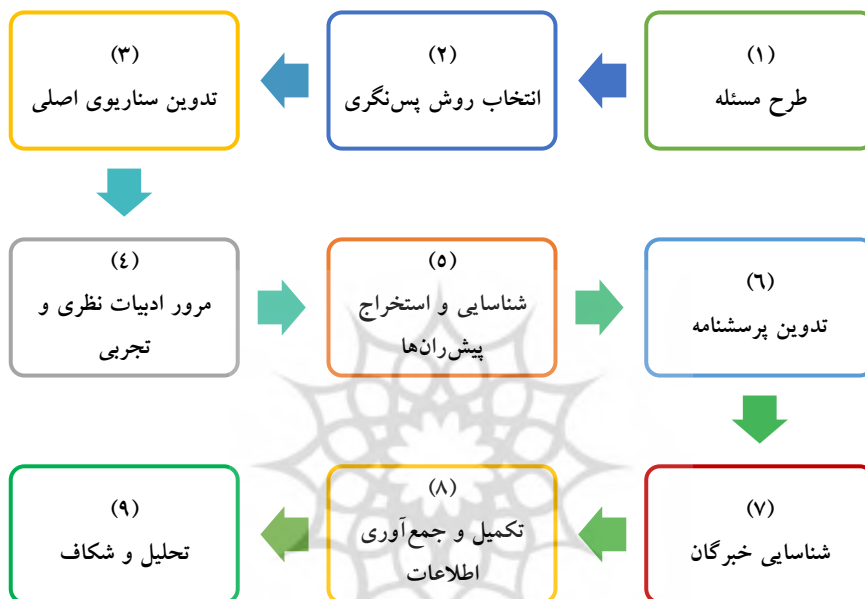
جامع و ارائه یک تحلیل راهبردی (به معنای رویکرد کل‌گرا *Holistic* و پیش‌بینانه و پیش‌دستانه)، ارزیابی در مورد میزان اهمیت، یا میزان دخالت و نیز میزان حضور و غیاب پیش‌ران‌ها در شرایط جاری و آتی به قضاوت‌های خبرگی سپرده شده است. به عبارتی به جای ارجاع به شواهد بیرونی و داده‌های عینی و کمی به قضاوت‌های خبرگی و کارشناسی مراجعه شده است. سیاق اولیه این پیش‌ران‌ها (در سه حوزه نظری) در گام اول بسیار مفصل و مبسوط بود که پس از مشورت‌های اولیه این پیش‌ران‌ها به ۴۳ مورد تقلیل پیدا کرده است. در گام دوم با مشورت‌های غیر ساختارمند و کیفی این پیش‌ران‌ها مجدد کاهش یافته و محدودتر شده‌اند. از لحاظ مفهومی ۲۵ پیش‌ران معطوف به شرایط داخلی کشور (جامعه ایران)، ده پیش‌ران در حوزه دولت و نظام سیاسی و ۸ پیش‌ران در حوزه مسائل خارجی یا بین‌المللی بوده‌اند.

شناسایی و استخراج پیش‌ران‌ها ملاحظه اساسی دیگر برای پاسخگویی به پرسش محوری نوشتار حاضر آن است که کدام روند‌ها^۱، نیروها^۲ یا عوامل^۳ در شرایط کنونی جامعه ایران و تحت تأثیر جنبش مهسا می‌تواند موجب تغییر ساختار یا ماهیت ساختار سیاسی موجود شوند و به تعبیر باهاسکار و پاتومکی، موجب شکل‌گیری نقطه انشعاب^۴ یا نقطه پرش (خیز)^۵ یا نقطه شکست یا قطع روند^۶ (حاجیانی ۱۳۸۸) شوند و به عبارتی موجب تغییر گردند. هر چند در آینده پژوهی هم‌زمان به عوامل تغییر و حتی قبل از آن باید اول به آنچه تغییر نمی‌کند؛ نیز باید توجه داشت (گوده ۱۳۷۶: ۳۰۴). پرسش آن است که فارغ از نظریه‌ها و پارادایم‌های موجود و با رویکرد عاری از نظریه^۷ چگونه امکان بروز و تشدید کشمکش سیاسی شورشی (طالبان، ۱۳۸۷) و تبدیل آن به تغییرات اساسی در عرصه قدرت سیاسی در ایران به وجود می‌آید. در اینجا بسیاری عوامل وجود دارد که برخی مانند طالبان (۱۳۸۵) و دلاوری (۱۳۸۷) به تبیین و شناسایی آن‌ها پرداخته‌اند و محمدی‌لرد نیز تا ۱۴۶ متغیر را با روش خبرگی معرفی نموده‌اند (محمدی‌لرد، ۱۳۹۳). در این

- 1 . Trends
- 2 . Forces
- 3 . Factors
- 4 . Branch point
- 5 . Jump Point
- 6 . Break Point
- 7 . free Paradigm

پژوهش، از مرور ادبیات نظری و تجربی و گفتگوی‌های ساختار نیافته با محققان و کارشناسان حوادث اخیر تعداد ۴۳ پیش‌ران در سه محور شناسایی شدند. در مجموعه فرایند روش شناختی این تحقیق به شرح زیر بوده است.

شکل شماره ۱- فرایند روش شناسی تحقیق



(منبع: نگارنده)

۲۸۲

پ-بدنه اصلی مقاله

مطابق چارچوب روش شناختی و مدل نظری طراحی شده، نقطه عزیمت اصلی در این نوشتار پیش‌ران‌های شناسایی شده در سه حوزه جامعه، حکومت و شرایط بین‌المللی هستند. برای اعتباربخشی، شناسایی و نهایی‌سازی، این پیش‌ران‌ها در یک پرسشنامه به رویت خبرگان رسید و سپس ایشان در خصوص میزان اهمیت هر کدام از پیش‌ران‌ها (در طیف لیکرت دامنه ۱ تا ۵) قضاوت نمودند. هم‌زمان درباره میزان تحقق و عملی شدن هر پیش‌ران در شرایط کنونی و احتمال تحقق آن در سه سال آینده نیز اعلام نظر نمودند. در ادامه به‌منظور تحلیل اهمیت و میزان

تحقق هر پیش‌ران و احتمال تحقق آن در آینده نزدیک سه‌ساله پیش‌ران‌ها به تفکیک ابعاد سه‌گانه توصیف و تحلیل می‌شوند.

۱- پیش‌ران‌های اجتماعی (حوزه جامعه)

همچنان که گفته شد؛ در اینجا با ۲۵ پیش‌ران مهم مواجه شده که در مجموع و مطابق نظرات اخذ شده، وضعیت هر کدام در ادامه آمده و به منظور رعایت ایجاز و پرهیز از اطاله کلام داده‌های همگی آن‌ها در قالب جدول زیر بیان شده‌اند.

جدول شماره ۱- پیش‌ران‌های مهم اجتماعی

شماره ردیف	شاخص یا محور	اولویت و اهمیت برای تحلیل شرایط	میزان تحقق عینی و عملی در شرایط کنونی کشور	احتمال تحقق و تعمیق و ارتقاء در آینده سه ساله در محیط ملی یا بین‌المللی
۱	گسترش و افزایش میزان عصبیت، تنفر و انتقام و مقاومت در برابر نظام در بدنه جامعه و گروه‌های مختلف اجتماعی-فرهنگی	خیلی مهم	زیاد	زیاد (محتمل به زیاد)
۲	اجماع حداکثری نخبگان، سلبریتی‌ها، اقطاب، احزاب، روحانیون و سایر گروه‌های مرجع	مهم	کم	تا حدودی (میل به کم)
۳	افزایش سهم رادیکالیسم و انتقام‌جویی در میان معترضین (تمایل به خشونت، مشروعیت‌یابی خشونت و قطبی شدن جامعه)	تا حدودی مهم	تا حدودی	زیاد
۴	افزایش سطح ناامنی و نگرانی جمعی نسبت به امنیت خود، خانواده و جامعه (سایر شهروندان)	کمتر مهم	خیلی کم	کم
۵	شکل‌گیری رهبری واحد و پرنفوذ با پایگاه سیاسی اجتماعی حداکثری در میان معترضین	مهم	خیلی کم	خیلی کم
۶	وجود آلترناتیو دارای ساختار و تشکیلات و اقتدار و ظرفیت برای اداره کشور، در بین معترضان	تا حدی مهم	خیلی کم	خیلی کم

ادامه جدول شماره ۱- پیشن‌ران‌های مهم اجتماعی

شماره ردیف	شاخص یا محور	اولویت و اهمیت برای تحلیل شرایط	میزان تحقق عینی و عملی در شرایط کنونی کشور	احتمال تحقق و تعمیق و ارتقاء در آینده سه ساله در محیط ملی یا بین‌المللی
۷	مطالبه و درخواست عمومی برای تغییر و فروپاشی کلیت ساختار موجود (گذر از اصلاحات و براندازی)	مهم	کم	تا حدودی (نظرات کاملاً قطبی است)
۸	شکل‌گیری گفتمان مسلط که دارای قدرت اجماع‌سازی، اقتناع‌سازی و انسجام‌بخشی در طیف معترضین و کلیت جامعه را داشته باشد	خیلی مهم	کم	تا حدودی
۹	نارضایتی اکثریت جامعه نسبت به حاکمیت و حاکمان (نظام سیاسی)	خیلی مهم	خیلی زیاد	خیلی زیاد
۱۰	احساس و باور به ناکارآمدی و بی‌کفایتی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی نظام سیاسی	مهم	خیلی زیاد	خیلی زیاد
۱۱	باورمندی و اقتناع عموم به ضرورت فروپاشی نظام	خیلی مهم	کم	تا حدودی (قضایات نمی‌توان کرد، نظرات کاملاً قطبی شده است)
۱۲	بی‌اعتمادی مردم به نیروهای سیاسی معتقد به اصلاح و تعدیل و رفرم	خیلی مهم	زیاد	
۱۳	امکان شکل‌گیری مصالحه، گفتگو و فضای تعامل میان معترضین و نظام	خیلی مهم	کم	کم
۱۴	تعمیق و ریشه‌دار شدن اعتراضات و احتمال استمرار و تداوم آن و گسترش یافتن آن به همه اقشار اجتماعی	خیلی مهم	کم	زیاد
۱۵	شکل‌گیری گروه‌های هسته‌ای مسلح در میان جوانان خشمگین (تحریکات مسلحانه انتحاری و تروریستی)	کمتر مهم	خیلی کم	کم
۱۶	پیوستن نهاد روحانیت به خصوص مراجع شناخته‌شده و سایر نیروهای سنتی جامعه ایران به جریان اعتراضی	کمتر مهم	خیلی کم	کم
۱۷	گسترش اشکال مختلف مقاومت فرهنگی خلافتانه و مدنی در قبال ارزش‌ها و هنجارهای نظام (نافرمانی مدنی غیر خشونت‌آمیز)	خیلی مهم	زیاد	خیلی زیاد

ادامه جدول شماره ۱- پیشن‌ران‌های مهم اجتماعی

شماره ردیف	شاخص یا محور	اولویت و اهمیت برای تحلیل شرایط	میزان تحقق عینی و عملی در شرایط کنونی کشور	احتمال تحقق و تعمیق و ارتقاء در آینده سه ساله در محیط ملی یا بین‌المللی
۱۸	تولید و بازتولید مکرر معناها، هنجارها و شعارهای جدید (اقدامات فرهنگی-هنری و رسانه‌ای)	خیلی مهم	زیاد	خیلی زیاد
۱۹	احتمال پیوستن ناراضیان حاشیه‌نشین شهری و طبقات پائین به اعتراضات	خیلی مهم	کم	خیلی زیاد
۲۰	گسترش رفتارهای اعتراضی خیابانی و خشن به اقشار فعال اقتصادی مانند کارگران، صنایع، معلمان، پرستاران، کامیون داران و مانند آن‌ها که مشکلات معیشتی دارند	خیلی مهم	کم	زیاد
۲۱	پیوستن اقشار و گروه‌های بی تفاوت (به اصطلاح ساکتین و سفیدها) به بخش اعتراضی	خیلی مهم	کم	زیاد
۲۲	ادراک و احساس مردم از اثربخشی اعتراضات خیابانی و سایر تحرکاتشان (شعارنویسی و شعارهای شبانه) و امیدواری آن‌ها به تأثیرگذاری اعتراضاتشان	تا حدی مهم	کم	تا حدودی
۲۳	پیوستن بدنه اهل سنت به جریان اعتراضی (انجام اقدامات اعتراضی در سایر نقاط کشور)	تا حدی مهم	زیاد	خیلی زیاد
۲۴	تداوم فراخوان‌های خیابانی به بهانه‌های مختلف	تا حدی مهم	کم	زیاد
۲۵	فروپاشی ذهنی مشروعیت و مقبولیت نظام سیاسی و کاهش سرمایه و پایگاه اجتماعی نظام در میان شهروندان	خیلی مهم	زیاد	خیلی زیاد

۲۸۵

۱-۱- کفایت پیشن‌ران‌ها

از مجموعه ۲۵ پیشن‌ران پیشنهاد شده در این زمینه، خبرگان ۱۳ پیشن‌ران را بسیار مهم، ۳ پیشن‌ران را مهم، ۶ پیشن‌ران را تا حدی مهم و ۳ پیشن‌ران را کمتر مهم تلقی نموده‌اند؛ بنابراین پیشن‌ران‌های

در نظر گرفته کفایت نسبی را برای ارائه تحلیل دارا هستند و به وسیله آن‌ها می‌توان به پاسخگویی به دو سؤال کلیدی این مقاله پرداخت.

۱-۲- تحلیل وضعیت موجود

از میان ۲۵ پیش‌ران مهم داخلی که به طور کلی در تحقق شرایط تغییر بنیادین نظام (در درجات مختلف از اهمیت) مؤثر هستند فقط دو پیش‌ران کامل محقق شده‌اند که یکی بسیار پر اهمیت (نارضایتی عمومی) و دیگری مهم است (ناکارآمدی). ۶ پیش‌ران را نیز در حد زیاد هم‌اکنون و در جریان جنبش‌های مهسا محقق شده‌اند که عبارت‌اند از: گسترش خشم و عصبانیت (مهم)، بی‌اعتمادی به نیروهای سیاسی موجود در درون نظام جریان اصلاحات (خیلی مهم)، مقاومت فرهنگی و نافرمانی مدنی (هر دو خیلی مهم) اعتراضات اهل سنت (تا حدی مهم)، کاهش سرمایه اجتماعی فرهنگی و نافرمانی مدنی (هر دو خیلی مهم) اعتراضات اهل سنت (تا حدی مهم)، کاهش سرمایه اجتماعی و مشروعیت نظام (خیلی مهم). در واقع بخشی از مقدمات و ملزومات تغییر فراهم آمده است؛ اما در مقابل یک پیش‌ران تا حدی مهم یعنی تمایل به رادیکالیسم و خشونت‌گرایی «تا حدودی» مشخص شده است و ۹ پیش‌ران نیز در حد کم، تاکنون، محقق شده‌اند که برخی از آن‌ها، از قضا بسیار مهم و مقدمه ضروری تغییر به شمار می‌آیند. از جمله اجماع مخالفان و معترضان، مطالبه فروپاشی کلیت نظام، ایجاد گفت‌وگو و توافق درباره ضرورت فروپاشی، استمرار و تداوم و گسترش اعتراضات به همه اقشار اجتماعی و پیوستن گروه‌های حاشیه‌نشین و سایر فعالان اقتصادی معترض که مشکلات معیشتی دارند، امیدواری به اثربخشی اعتراضات و تحریکات خیابانی «کمتر» محقق شده‌اند. در ادامه باید گفت ۷ پیش‌ران مهم و تا حدودی مهم در حد بسیار نازلی محقق شده‌اند (مانند تحقیق رهبری واحد و ساختار تشکیلات منسجم میان معترضان) که تاکنون غیبت نیافته‌اند. در تحلیل شرایط موجود باید به یک پیش‌ران بسیار مهم دیگر اشاره کرد که در حد کمی محقق شده‌اند (گفتگو و مصالحه بین معترضان و مردم) که این خود پیش‌ران- «خیلی مهم» در تغییر محسوب می‌گردد؛ بنابراین در کل تنها سه مقدمه «بسیار مهم» تغییر هم‌اکنون شکل گرفته و محقق شده‌اند. در مجموع در تحلیل شرایط کنونی کشور، البته در بعد داخلی و به‌طور مشخص در محیط فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی

بخشی از مقدمات فراهم آمده اما بخش بزرگی هنوز محقق نشده و صورت عینی و عملی به خود نگرفته است.

۱-۳- تحلیل شرایط آینده

در ادامه باید دید چقدر امکان و احتمال دارد در شرایط آینده و در چشم‌انداز میان‌مدت (با تسامح ۳ سال پیش‌رو) پیش‌ران‌های اجتماعی حفظ، تداوم و یا تعمیق و ارتقاء یابند. در این زمینه و به‌عنوان پیش‌بینی اوضاع آینده کشور ۶ پیش‌ران‌ها به‌طور قطع محقق خواهد شد؛ که از میان آن‌ها دو مورد هم‌اکنون هم به‌شدت محقق شده‌اند و موقعیتشان را حفظ می‌کنند (نارضایتی و ناکارآمدی) و چهار مورد نیز که هم‌اکنون زیاد (وجدی) هستند و در آینده نیز شدیدتر و قوی‌تر (تقویت) می‌شوند. به عبارتی پیش‌ران‌های بسیار مهم مانند مقاومت فرهنگی و نافرمانی مدنی، اعتراضات حاشیه‌نشینان شهری و طبقات پایین، زوال مشروعیت و سرمایه اجتماعی، روند و سرعت رشد افزون‌تری را تجربه خواهند نمود. لذا تا اینجا باید گفت شرایط آینده کشور پیچیده‌تر خواهد شد؛ چرا که مقدمات شکل‌گیری سناریوی تغییرات بنیادی بیشتر خواهد شد. در آینده نزدیک حضور ۸ پیش‌ران دیگر افزایش خواهد یافت که پنج مورد از آن‌ها از قبل ضعیف‌تر بوده‌اند؛ اما در آینده شدیدتر می‌شوند و سه مورد نیز که از قبل جدی (زیاد) بوده‌اند کماکان در همان شرایط (زیاد) باقی می‌مانند که این خود به معنی جدی‌تر شدن شرایط آینده خواهد بود. ۷ پیش‌ران هم که در شرایط کنونی ضعیف‌اند (خیلی کم و کم) در آینده تقویت و قوی (تا حدودی) می‌شوند. سایر پیش‌ران‌ها هم که هم‌اکنون «خیلی کم» هستند، اندکی افزایش می‌یابند. به عبارتی در شرایط پیش‌رو همه پیش‌ران‌های اجتماعی به نوبه خود و نسبت به شرایط جاری تقویت و افزایش نسبی می‌یابند.

۲۸۷

۲- پیش‌ران‌های حوزه نظام سیاسی

بر اساس مباحث نظری، در این حوزه در نهایت ده پیش‌ران (متناسب با شرایط خاص ایران در بحران جاری) شناسایی گردید که مطابق روش‌شناسی طراحی شده مورد بررسی قرار گرفتند و جزئیات آن در جدول زیر آمده است.

جدول شماره ۲- ۵۵ پیش‌ران سیاسی

شماره ردیف	شاخص یا محور	اولویت و اهمیت برای تحلیل شرایط	میزان تحقق عینی و عملی در شرایط کنونی کشور	احتمال تحقق و تعمیق و ارتقاء در آینده سه ساله در محیط ملی یا بین‌المللی
۱	فرسایش و خستگی نیروها و عوامل کنترل ناآرمی‌های ناشی از فشار حداکثری جنبش معترضین و نیروهای سیاسی (به‌خصوص حفظ آمادگی ناجا)	تا حدی مهم	کم	تا حدودی
۲	حفظ قدرت، انگیزه و اراده لازم در نظام برای مبارزه با ناآرمی‌ها و سرکوب (انفعال در بدنه نظام)	مهم	کم	زیاد
۳	فروپاشی، گسستگی و ناهماهنگی ساختاری میان اجزاء قدرت و از بین رفتن انسجام و کلیت نیروهای درون نظام (مسئولان نظام)	خیلی مهم	کم	کم
۴	ایجاد شکاف و گسست در میان نیروهای اصلی نظام در خصوص اتخاذ استراتژی و تاکتیک‌های واحد برای اداره جامعه، نظام و مقابله با ناآرمی‌ها	تا حدی مهم	کم	کم
۵	انعطاف‌پذیری نظام در مقابل مطالبات و اعتراضات (تأثیر منفی بر تغییرات بنیادین دارد)	تا حدی مهم	کم	کم
۶	توانائی متقاعدسازی، توجیه و راضی‌سازی مردم به‌خصوص معترضین توسط نظام	تا حدی مهم	کم	کم
۷	تدبیر و هوشمندی نیروهای امنیتی برای مقابله با اعتراضات (انخاذ تصمیمات متناسب و مؤثر برای کنترل بحران)	تا حدی مهم	تا حدودی	تا حدودی
۸	استفاده از ظرفیت رسانه ملی و سایر رسانه‌های جبهه انقلاب اسلامی و تأثیرگذاری آن برای کنترل اعتراضات	کمتر مهم	خیلی کم	خیلی کم
۹	مواجهه قضائی سخت با معترضان و تداوم صدور احکام قاطع علیه دستگیرشدگان و متهمان	تا حدی مهم	زیاد	زیاد
۱۰	توانائی، تسلط و اقتدار نیروهای رسمی نظام برای کنترل مؤثر شرایط کنونی کشور در صورت بروز هرگونه رخداد غافلگیرکننده و ناگهانی	تا حدی مهم	تا حدودی	تا حدودی

(منبع: نگارنده)

۲-۱- کفایت پیشران‌ها

از میان ۱۰ پیشران شناسایی شده و ارائه شده به خبرگان مورد مراجعه یک پیشران بسیار مهم (گسست و شکاف در درون نظام) و یک پیشران مهم (انگیزه و اراده نظام برای سرکوب) و هفت پیشران تا حدی مهم (فرسایش نیروهای کنترل ناآرامی‌ها، گسست در اتخاذ راهبردهای مقابله با اعتراضات، انعطاف‌پذیری نظام در مقابل اعتراضات، با تأثیر منفی بر تحقق سناریوی مورد بررسی، توانایی متقاعدسازی معترضان توسط نظام، هوشمندی در اتخاذ تصمیمات مقابله‌ای و اجرای آن‌ها، مواجهه قضایی قاطعانه با دستگیرشدگان و اقتدار لازم برای کنترل شرایط غافلگیرکننده) تلقی شده است. یک پیشران هم «کمتر مهم» در نظر گرفته شده است (استفاده از ظرفیت‌های رسانه‌ای و تبلیغات برای کنترل اعتراضات که به نوعی مبین قدرت نرم نظام سیاسی است). در مجموع هیچ پیشرانی از دایره تحلیل خارج نشده است.

۲-۲- تحلیل وضعیت موجود

از میان پیشران‌های سیاسی، وضعیت کنونی گسست و ناهماهنگی ساختاری ناچیز ارزیابی شده است. هم‌چنین پیشران‌های مهم حفظ انگیزه‌های نظام هم کم ارزیابی می‌شود. در مورد ۷ پیشران تا حدودی مهم، نیز چهار پیشران هم اکنون کم محقق شده‌اند. یک پیشران «زیاد» و دو پیشران هم «تا حدودی» صورت عینی به خود پیدا کرده‌اند. یک پیشران «کمتر مهم» خیلی کم محقق شده است (استفاده از رسانه‌ها) که البته به لحاظ مفهومی معنی معکوس دارد و نشان از ضعف نظام سیاسی و شکل‌گیری تمهیدات لازم برای تحقق سناریوی مورد بررسی در این نوشتار دارد. در مجموعه تحلیل وضعیت موجود نشان می‌دهد نظام سیاسی کماکان از انگیزه، اراده، اقتدار، توانایی، هماهنگی، انسجام و راهبرد مشترک برای مقابله با اعتراضات برخوردار است. تنها نقاط ضعف مهم ساختار سیاسی مستقر ناتوانی آن در تعامل با معترضان و عدم بهره‌مندی حداکثری از ظرفیت‌های رسانه‌ای است که این دو واقعیت خود، به معنی نزدیک شدن به سناریوی مورد نظر است. لذا، می‌توان گفت برخلاف شرایط اجتماعی که تا حد زیادی محیا برای ایجاد تغییرات است نظام سیاسی در شرایط کنونی در برخی جهات مهم از قوت و استحکام لازم برخوردار است.

۲-۳- تحلیل شرایط آینده

مطابق نظرات کارشناسی به دست آمده برآوردها حاکی از آن است که هیچ پیش‌رانی در آینده «خیلی زیاد» قوت نخواهد گرفت، دو پیش‌ران «در حد زیادی» تقویت می‌شوند که تنها یکی از آن‌ها مهم است (حفظ انگیزه‌های مقابله با اعتراضات) و بقیه پیش‌ران‌ها نیز در آینده چندان برجسته و مستحکم تقویت نخواهند شد (۴ پیش‌ران کم و ۳ پیش‌ران تا حدودی قوی می‌شوند). از جهت دیگر ۸ پیش‌ران در آینده هیچ تغییری به خود نخواهد دید و شرایط کنونی تداوم می‌یابند. به عبارتی بعید است که این پیش‌ران‌ها در آینده نزدیک دچار تغییر و به‌طور مشخص دچار افزایش یا رشد شوند. شایان ذکر است بهره‌مندی از ابزارهای رسانه‌ای کماکان اندک و ناچیز خواهد بود که این‌ها از اهم نقاط ضعف نظام و به سود تغییرات بنیادی هستند. خلاصه کلام آن که نظام دچار چالش‌های اساسی نسبت به شرایط کنونی نخواهد شد.

۳- پیش‌ران‌های خارجی و بین‌المللی

در زمینه مسائل فرامرزی ۸ پیش‌ران شناسایی شد که وضعیت‌های سه‌گانه آن‌ها در جدول زیر آمده است.

جدول شماره ۳- پیش‌ران‌های خارجی و بین‌المللی

شماره ردیف	شاخص یا محور	اولویت و اهمیت برای تحلیل شرایط	میزان تحقق عینی و عملی در شرایط کنونی کشور	احتمال تحقق و تعمیق و ارتقاء در آینده سه‌ساله در محیط ملی یا بین‌المللی
۱	اجماع حداکثری ایرانیان خارج از کشور با هدف افزایش فشار به نظام	تا حدی مهم	زیاد	زیاد
۲	تداوم راهبرد فیلترینگ فضای مجازی و شبکه اجتماعی محرک اعتراضات	تا حدی مهم	زیاد	خیلی زیاد
۳	افزایش فشار دولت‌ها و قدرت‌های خارجی و نمادهای بین‌المللی برای محکومیت دولت و نظام	بسیار مهم	زیاد	زیاد
۴	افتتاح و اجماع حداکثری دولت‌های خارجی برای ضرورت تغییر در سطح حاکمیت	بسیار مهم	تا حدودی	تا حدودی

۲۹۰

ادامه جدول شماره ۳-پیش‌ران‌های خارجی و بین‌المللی

شماره ردیف	شاخص یا محور	اولویت و اهمیت برای تحلیل شرایط	میزان تحقق عینی و عملی در شرایط کنونی کشور	احتمال تحقق و تعمیق و ارتقاء در آینده سه‌ساله در محیط ملی یا بین‌المللی
۵	صدور قطعنامه‌ها و بیانیه‌های سازمان بین‌الملل برای محکومیت عملکرد، تصمیمات و اقدامات نظام (در سازمان ملل و سازمان‌های حقوق بشری)	تا حدی مهم	تا حدودی	زیاد
۶	مداخله نظامی محدود یا تمام عیار غرب، ناتو یا رژیم صهیونیستی	تا حدی مهم	خیلی کم	کم
۷	به هم پیوستن جریان‌ات افراطی برانداز (سلطنت‌طلب، نفاق و سایر دگراندیشان)	تا حدی مهم	کم	تا حدودی
۸	شکل‌گیری تحرکات تجزیه‌طلبانه با حمایت جریان‌ات قومی داخلی، اپوزسیون قومی یا قدرت‌های منطقه‌ای یا استکبار جهانی به‌خصوص در بلوچستان، کردستان یا آذربایجان	بسیار مهم	کم	کم

۳-۱- کفایت پیش‌ران‌ها

داده‌های به‌دست آمده حاکی از آن است که سه پیش‌ران (تحرکات تجزیه‌طلبانه قومی، فشار دولت‌های خارجی و اجماع دولت‌های خارجی در مورد تغییر نظام) بسیار مهم هستند و هیچ پیش‌رانی مهم تلقی نشده است. همچنین ۵ پیش‌ران «تا حدی مهم» تلقی شده‌اند (شامل اجماع حداکثری دیاسپورای ایرانی، فیلترینگ، فشار سازمان‌های بین‌المللی و مداخله نظامی و به هم پیوستن جریان‌های برانداز مقیم خارج). این تلقی‌ها نشان می‌دهد؛ اهمیت عوامل خارجی برای تغییرات بنیادین سیاسی کم‌اهمیت‌تر از عوامل سیاسی و اجتماعی داخلی (درون‌کشوری) است.

۳-۲- تحلیل وضعیت موجود

از دو پیش‌ران بسیار مهم «فشار خارجی» هم‌اکنون در حد زیاد و «اجماع حداکثری دولت‌های خارجی» تا حدودی در شرایط جاری محقق شده‌اند. همچنین پیش‌ران‌ها بسیار مهم تجزیه‌طلبی نیز در حد کم شکل گرفته‌اند. مابقی پیش‌ران‌ها که تا حدی مهم تلقی شده‌اند؛ کم، خیلی کم و

تا حدودی محقق شده‌اند. ضمن آنکه راهبرد فیلترینگ فضای مجازی که تا حد زیادی هم‌اکنون محقق شده‌اند؛ خود عامل ثبات و حفظ وضعیت موجود است (هرچند این عامل نقش متناقضی را ایفا می‌کند و تداوم فیلترینگ موجب تشدید نارضایتی‌های عمومی می‌شود).

۳-۳- تحلیل شرایط آینده

برآورد می‌شود پیش‌ران‌های بسیار مهم خارجی (فشار و اجماع حداکثری دولت‌های خارجی و تحرکات تجزیه‌طلبانه قومی) در آینده نسبت به اکنون تغییر محسوسی نمی‌یابند. باقی پیش‌ران‌ها هم که «تا حدودی مهم» اند اندکی شدت خواهند یافت؛ اما پتانسیل و فشار ایرانیان خارج از کشور (که اکنون زیاد است) در آینده هم در همین حد باقی می‌ماند و لذا تغییری نمی‌کند. خلاصه آن‌که باید گفت عوامل و شرایط بین‌المللی طی سال‌های پیش رو تنها اندکی شدت و قوت پیدا خواهد کرد.

نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی و تحلیل نهایی و مختصر پیش‌ران‌های تحقق سناریوی تغییرات بنیادی سیاسی در ایران امروز، صرف‌نظر از میزان اهمیت پیش‌ران‌های ۴۳ گانه و نیز با ندیده گرفتن تحولات خاص هر پیش‌ران در شرایط آینده نسبت به شرایط کنونی، آن شرایط زیر حاکم است.

۲۹۲

جدول شماره ۴- تحول پیش‌ران‌ها (میزان افزایش) در افق ۱۴۰۴ نسبت به شرایط کنونی

شرایط آینده ۱۴۰۱	شرایط فعلی ۱۴۰۱	میزان تحقق پیش‌ران‌ها
۸	۲	خیلی زیاد
۱۲	۱۰	زیاد
۱۰	۵	تا حدودی
۱۰	۱۸	کم
۳	۸	خیلی کم

(منبع: نگارنده)

در اینجا باید به عدم قطعیت و ابهام جدی در خصوص وضعیت آینده دو پیش‌ران خیلی مهم (باور عمومی به ضرورت فروپاشی) و درخواست تغییرات بنیادین سیاسی از سوی خبرگان اشاره داشت، به این معنی که آراء دارای پراکندگی جدی و انحراف معیار صفر نسبت به حالت وسط بودند. به عبارتی به علت قطبی بودن نظرات امکان پیش‌بینی آینده و پیش‌ران میسر نیست. هم‌چنین کم بودن امکان مصالحه بین نظام و معترضین به معنای تحقق سناریوی مورد نظر است. ضمن آن که «کم شدن» انعطاف‌پذیری نظام در مقابل مطالبات و «خیلی کم شدن» توان نظام برای استفاده از ظرفیت‌های رسانه‌ای خود به معنی نزدیک شدن هر چه بیشتر به سناریوهای فروپاشی است. قابل گفتن است که افزایش مواجهه نظام با معترضان و دستگیر شدگان نیز همین معنی را در بر دارد. در هر حال تحلیل نام میزان پراکندگی یا توزیع عددی پیش‌ران‌ها در شرایط کنونی نشان دهنده «عدم تحقق کامل شرایط انقلابی» است. به عبارتی هر چند تعدادی از پیش‌ران‌های تغییرات بنیادی هم اکنون محقق شده‌اند (۱۲ مورد)؛ اما در مقابل تعداد بیشتری پیش‌ران هنوز به اندازه کافی و لازم صورت عینی به خود نیافته‌اند (۲۶ مورد). هم‌چنین در خصوص وضعیت آینده و تحقق سناریو مورد نظر نیز شواهد ملاحظه شده گویای تشدید نسبی اوضاع است. به این معنی که ۱۲ پیش‌ران محقق شده به ۲۰ مورد افزایش یافته و تقویت می‌شود و ۵ پیش‌ران در حد متوسط نیز به ۱۰ مورد افزایش می‌یابد که همه این‌ها مبین نزدیک شدن به سناریوی تغییرات بنیادی در آینده کوتاه مدت است؛ اما همه این‌ها به معنی تحقق کامل این سناریو در آینده نیست؛ به سخن دیگر هر چند کشور و جامعه ایران در افق زمانی کوتاه مدت به سمت تغییرات بنیادی سوق پیدا می‌کند؛ اما این تغییرات صورت عملی و عینی پیدا نمی‌کند. چرا که بسیاری از پیش‌ران‌ها تا حدودی (۱۰ مورد) و ۱۳ پیش‌ران نیز تا حد کم و خیلی کم) به خود می‌گیرند و در مجموع بیش از نیمی از پیش‌ران‌های لازم برای رخداد سناریو مورد نظر به طور کامل محقق نمی‌شوند (۲۳ پیش‌ران از ۴۳ مورد). به لحاظ نظری این شرایط متناقض ناشی از تشدید شرایط اجتماعی به سمت تحقق تغییرات از یک سو و تشدید توانایی‌ها و اقتدار نظام از سوی دیگر است. این وضعیت جامعه ایران را در شرایط بغرنج و مبهم و متزلزلی قرار خواهد داد؛ به این ترتیب که شرایط اجتماعی مهیا تغییرات اساسی است؛ اما نظام سیاسی هم قدرت و توان مهار و مدیریت شرایط را دارد. آنچه مسلم است در آینده پیش رو شاهد افزایش تقابل و

تعارض میان جامعه و نظام خواهیم بود و کفه ترازو به نفع هیچ کدام تغییر پیدا نمی کند و نوعی توازن (منفی) بین دو سوی ماجرا حاکم خواهد بود، ضمن آن که نقش عامل خارجی در این میان درجه سوم اهمیت (نسبت به دو بعد دیگر) را دارا خواهد بود. به لحاظ تحلیلی در آینده کوتاه مدت پیش رو، کشور با سوژه های انقلابی هر چه فراوان تر مواجه خواهد بود و جامعه ایران روحیه و انگیزه های انقلابی و مطالبه تغییرات بنیادی بیشتری را خواهد داشت؛ اما «وضعیت انقلابی» شکل نخواهد گرفت. منظور از وضعیت انقلابی تحقق سوژه انقلابی در جامعه از یک سو و تشدید ضعف های اساسی در درون قدرت مستقر از سوی دیگر (به صورت هم زمان) در کنار شرایط خارجی به طور کامل مساعد است که به زودی نمی توان تحقق آنها را انتظار داشت؛ بنابراین در ایران آینده احتمال شکل گیری وضعیت انقلابی تمام عیار اندک بوده، احتمال تحقق کامل سناریوی تغییرات بنیادی در حد متوسط است و کشور کماکان در یک شرایط بلا تکلیفی در تعارض بین سوژه های انقلابی در بطن جامعه و ساختار سیاسی به نسبت منسجم و با اراده و اهتمام برای حفظ قدرت و نیز دارای توانائی بهره مندی از پایگاه اجتماعی خود، قرار خواهد داشت.

از منظر تحلیل بحران های ساختاری و جدی کشور در چشم انداز پیش رو حل و فصل نخواهند شد و لذا کماکان اعتراضات آشکار (خیابانی) و تشدید نارضایتی های پنهان، توأم با خشم عمومی که اظهار و تجلی بیرونی ندارند، مشاهده خواهد شد. چرا که ریشه ها و بنیان های اعتراض استمرار و تداوم خواهد داشت و حکومت نیز اراده ای برای حل و فصل و تمشیت مسائل اصلی کشور مانند تحریم ها، اصلاح نظام انتخاباتی و فرایندهای مردم سالاری و ... ندارد. در عین حال نظام سیاسی به واسطه برخورداری و توانائی بهره مندی از منابع و ارکان قدرت خود، کماکان بر اوضاع کشور تسلط نسبی، خواهد داشت. به تعبیر دقیق نظام سیاسی (حکومت مستقر) و جامعه ایرانی، هر دو در «وضعیت فعال» قرار داشته و خواهند داشت (دولت فعال و جامعه فعال). دولت در ایران به لحاظ تاریخی دارای استقلال نسبی از جامعه بوده و این روند در دوره معاصر نیز به طور نسبی کماکان ادامه دارد و این نقطه ضعف دارای کارکرد استمرار بقاء (ولو شکننده) برای ساختار سیاسی است. دولت به دلیل گستره و دامنه بزرگ خود، نقش مهم زیر بنائی نسبت به جامعه و روابط اجتماعی دارد که با ظهور انقلاب اسلامی نیز تقویت شد. این ساختار سیاسی تا

اطلاع ثانوی توانایی و اراده لازم برای انجام کار ویژه‌های خود را دارد و در عرصه سیاسی داخلی و خارجی (به‌خصوص منطقه‌ای) فعال و دارای قدرت مانور کافی است و توان بهره‌مندی از ابزارهای کنترلی، مالی و رسانه‌ای خود را دارا است، یعنی هم از قدرت سخت و هم از قدرت نرم (تا حد زیادی) برخوردار است. در مقابل جامعه ایران به‌شدت پویا، فعال و زنده است و دینامیزم‌های درونی آن به‌شدت فعال و اثرگذار است. این جامعه دارای مطالبات دموکراسی خواهانه و بینش هوشمندانه و راهبردی است و بعید است در تدبیر و تمشیت خود تحت تأثیر عوامل خارجی و بیرونی قرار گیرد و بر خلاف تجربه تاریخی خود ملعبه دست فشار خارجی شود که این خود از آثار مهم انقلاب اسلامی بر فرهنگ سیاسی ایرانیان است. با این همه جامعه ایران در فضا و در مسیر جهانی‌شدن قرار دارد و خواهان توسعه، برابری، عدالت و دموکراسی است و بر این مطالبات اصرار و ابرام دارد که نمونه آن در تحركات چند ماهه پائیز ۱۴۰۱ مشاهده شد. نتیجه نهائی چنین اوضاعی شوربختانه، نوعی بن‌بست و رویارویی جدی نیروهای سیاسی خواهان تغییر است که در چشم‌انداز کوتاه مدت راه برون رفتی از آن به چشم نمی‌خورد.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: نویسنده به تنهایی تمام مقاله را نوشته است.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسنده در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسنده حق کپی‌رایت رعایت شده است.

منابع

الف- منابع فارسی

- اقبالی، علیرضا؛ سایه میری، علی (۱۴۰۰)، «بررسی رابطه نظری بین بی‌ثباتی سیاسی و چرخه تجاری، سیاسی در یک کشور نفتی»، فصلنامه مطالعات اقتصادی و سیاسی بین‌المللی، دوره چهارم، شماره اول، ۲۷۵-۳۹۲.
- اصغر پور، حسین و همکاران (۱۳۹۳)، «اثر بی‌ثباتی سیاسی بر رشد اقتصادی ایران»، فصلنامه پژوهشنامه سیاسی اقتصادی، زمستان، سال ۲۱، شماره ۶۸، ۱۹۴-۱۷۵.

- ایرنا (۱۳۹۸)، «اعتراضات آبان ماه ۹۸: تحلیل صاحب‌نظران استان‌ها از ناآرامی‌های پس از افزایش قیمت بنزین»، **دفتر پژوهش و بررسی‌های خبری ایرنا**.
- بیات، آصف (۱۳۹۱)، **سیاست‌های خیابانی**، ترجمه سید اسدالله بنوی چاشمی، شیراز: نشر شیراز.
- بل، وندل (۱۳۹۲)، **مبانی آینده‌پژوهی**، ترجمه مصطفی تقوی و محسن محقق، تهران: انتشارات موسسه آموزش و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۸)، **اصول، مبانی و تکنیک‌های آینده‌پژوهی**، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۸)، **اعتراضات و ناآرامی‌های دی ماه ۱۳۹۶: تحلیل و برآوردها**، انتشارات پژوهشکده مطالعات.
- خرمشاد، باقر؛ محمدی لرد، عبدالمحمود (۱۳۹۲)، «شروط سیاسی»، پائیز و زمستان.
- دلاوری، ابوالفضل (۱۳۷۸)، **بررسی ریشه‌های خشونت و بی‌ثباتی سیاسی در ایران، رساله دکتر**، دانشگاه تهران.
- روپر، آلن تومان و دیگران (۱۳۹۶)، **پیش‌بینی و مدیریت فناوری**، ترجمه غلامرضا توکلی و همکاران، انتشارات کتاب مهربان
- زرقانی، هادی؛ عظمی، هادی؛ احمدی، راحله (۱۳۹۳)، «بررسی و شناسایی متغیرهای مؤثر بر بی‌ثباتی نظام سیاسی»، فصلنامه ژئوپلیتیک، پائیز، سال دهم، شماره سوم، ۷۶-۹۴.
- ساندرز، دیوید (۱۳۷۳)، **الگوهای بی‌ثباتی سیاسی**، مترجم و ناشر: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- طالبان، محمدرضا (۱۳۸۵)، **تبیین جامعه‌شناختی بی‌ثباتی سیاسی (مطالعه بین‌کشوری)**، **رساله دکتر**، دانشگاه تربیت مدرس.
- طالبان محمدرضا (۱۳۸۸)، «مکانیسم‌ها و جامعه‌شناسی (نقش و اهمیت مکانیسم‌ها در تبیین پدیده‌های اجتماعی)»، فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی، س ۱۵ ش ۶۱ زمستان.
- عبدالحسین پورفرد، مسعود (۱۳۹۸)، **ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران**، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- کاسو، حنا؛ کاسنر، رابرت (۱۳۹۶)، **آینده‌پژوهی و تجزیه تحلیل سناریو**، ترجمه محسن رستمی و همکاران، انتشارات پشتیبان
- گر، تدرابرت (۱۳۷۶)، **چرا انسان‌ها شورش می‌کنند**، ترجمه علی مرشدی زاد، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- محمدی لرد، عبدالمحمود (۱۳۹۳)، **آینده‌پژوهی ثبات سیاسی ایران**، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- «بی‌ثباتی (تحلیل تجربی بین‌کشوری)»، دو فصلنامه دانش سیاسی، سال نهم، شماره دوم.